

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/11/20



موضوع: مسائل مطهرات

مسئله 36

مسئله 36: سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «الظروف الکبار التی لا یمکن نقلها کالحُب المثبت فی الأرض ونحوه إذا تنجست یمکن تطهیرها بوجه:» حُب ظرف های بزرگ و بشکه های پر از آب و ظرف آب بزرگی که در کنار خیابان ها فی سبیل الله وقف می کنند و نذر می کنند مثل بشکه پر از آب، اگر این ظرف ها نجس بشود راه تطهیرش را سید بیان می کند. راه تطهیر هم فتوا نیست بلکه مساعدت است. می خواهید قبول نکنید و می خواهید از راه دیگری را خودتان الان انشاء و اعلام بکنید.

چهار راه تطهیر عرفی حُب

می فرماید: چهارتا راه برای تطهیر آن گفته شده است: «احدها: أن تملأ ماء ثم تفرغ ثلاث مرات»، هر دفعه پر کند و خالی کند که سه بار این عملیات انجام بگیرد برای اینکه تطهیر اناء نیاز به سه بار تطهیر دارد. منتها یک مشکل دارد که خالی کردن آن است. «الثانی: أن يجعل فیها الماء ثم یدار إلى أطرافها بإعانه الید أو غیرها ثم یخرج منها ماء الغساله ثلاث مرات»، آب را داخل آن ظرف قرار بدهد با دست خودش بچرخاند به دیواره آن ظرف و بعد از که به کل دیواره ظرف چرخانده شد آنگاه آب را بیرون بیاورد و آب دوم را بریزد. طبیعتاً در این صورت آب دیگر کامل نیست که نیاز به اداره و گرداندن دارد. «الثالث: أن یدار الماء إلى أطرافها مبتدأ بالأسفل إلى الأعلى»، از قسمت پایین دیواره آن ظرف بگیرد و شروع کند به تطهیر تا آخر و به تدریج تا کل دیواره را شستشو کند و بعد از که تمام شد اگر آب باقی مانده بود در کف ظرف دوباره همین را انجام بدهد تا سه بار تکرار بشود و تغسیل صورت بگیرد. و بعد هم «ثم یخرج الغساله المجتمعه ثلاث مرات».

سوال: از پایین به بالا چگونه شسته می شود؟

جواب: اولاً این مسائل این است که یک جسمی و یک ظرفی نجس شده، این طریقه تطهیرش این است که سه بار با آب شسته شود. اصولی و اساسی آن این است که پر بکنید یا کمتر از پر و تکان بدهید و بیرون بریزید. اما اگر ظرف ثابت بود که قابل تکان دادن بود اگر آب زیاد داشتید پر کنید و خالی کنید، اینها طریقه عرف است و اینها ربطی به دستور شرع ندارد. دستور شرع این است که سه بار تطهیر بشود، این سه بار را سید خواسته که تمام احتمالات را بگوید. اگر آب کم داشتید و نتوانستید پر و خالی کنید، بار دوم آب بود و بگردانید در کل دیواره تا اینکه همه دیواره را فراگیرد و بعد غسله اش را بیرون بریزید و سه بار به همین شکل. «الثالث: أن يدار الماء إلى أطرافها» منظور از اطراف دیواره داخل آن ظرف است. آب قلیل است و شیر نیست ولی پاک است و با یک ظرفی است از آن پایین شروع می کند. قسمت یک وجبی اش را یک بار آب می گیرید و بعد سه وجب بعدی به تدریج این می شود تطهیر از پایین به بالا، این را می گوید اشکال ندارد «ثم يخرج الغسالة المجتمع ثلاث مرات»، غسله را ثلاث مرات خارج نمی کنید، در هر تطهیر غسله را خارج می کند. «الرابع: أن يدار كذلك» آب همینطور گردانده و چرخانده بشود به اطراف یعنی به دیواره داخلی این ظرف «لكن من أعلاها إلى الأسفل» که از ابتداء شروع کنید و از دم در بشکه شروع کنید و آن آب قلیلی که است وجب به وجب مثلاً سه وجب است وجب اول را ریختید یک ظرف آب بعد ظرف دوم وجب دوم و ظرف سوم وجب سوم، رجب سوم کل دیواره را شستشو کرد آبی که باقی ماند بیرون بیاورید. سه بار این عملیات را انجام بدهید. «ولا يشكل بأن الابتداء من أعلاها يوجب اجتماع الغسالة في أسفلها قبل أن يغسل، ومع اجتماعها لا يمكن إدارة الماء في أسفلها» می گوید اشکال نشود به اینکه اگر عملیات شستشو از ابتداء شروع بشود موجب می شود که غسله در آن یک وجبی پایینی ظرف جمع بشود و غسله هم که نجس است قبل از اینکه آن یک وجب پایین شستشو شده باشد غسله آنجا جمع می شود پس پایین شستشو نیست. و با جمع شدن غسله در آن یک وجبی پایین چطوری عملیات را انجام بدهید. این اشکال است، می گوید «و لا يشكل» این اشکال را مطرح نکنید «وذلك لأن المجموع يعد غسلاً واحداً» برای اینکه هرچند از بالا شروع شده است ولی آن قسمت پایین ظرف با قسمت بالایش از لحاظ شستشو در عملیات یک عمل واحدی است. همین جا که غسله جمع شده در حقیقت عملیات تغسیل است نه اینکه بگوییم آنجا عملیات تغسیل ندارد و یک محل جمع شدن غسله است تا اشکال بکنید. کل آن جدار سه مرحله ای بود و با هم وصل است، از بالا. شروع شده است تا تمام نشده است غسل واحد است و در آخر که غسله را که بیرون می آورید یک غسل واحد متحقق می شود. وبعد الاجتماع يعد المجموع غسله واحده به اعتبار شرعی

آیا تطهیر ابزار اخراج غسله هر بار لازم است؟

«ولا يلزم تطهير آله إخراج الغسالة كل مره» لازم نیست تطهیر ابزار اخراج غسله هر مرتبه چون شیر آب نبود و با ملعقه بزرگ یا یک ظرف های بزرگی با آن آب را بیرون بیاورند آن آلت و ابزار بیرون آوردن آب چه حکمی دارد؟ هر مرتبه ای که سه مرتبه شستشو بشود و مرتبه اول که این را انجام داد غسله اولی را بیرون کرد. غسله طهارت و نجاستش محل کلام

است و آن غسله ای که پاک است غسله متعقبه به تطهیر است، آخرین غسله پاک است اما غسله ای که عین نجاست همراه اش هست قطعاً نجس است و غسله وسطی که غسله متعقبه نیست محل اختلاف است و غسله متعقبه به طهارت پاک است. حالا این ابزار یا آلت چه حکمی دارد؟ آلت و ابزار باید هر نوبت تطهیر بشود یا نه آن نجس نشده، با آن ملعقه بزرگ آن آب را بیرون آوردید، نوبت اول درست شد حالا دوباره آن ملعقه که آلوده شده است به غسله حکمش چیست، می توانید با همان ملعقه آب نوبت دوم را بیرون بیاورید یا آن را باید تطهیر کنید. متن می فرماید: تطهیر آلت و ابزار اخراج غسله هر مرتبه لازم نیست. سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: دلیل این مطلب عبارت است از اطلاق موثقه عمار از امام صادق علیه السلام: «سئل عن الكوز و الاناء یكون قدرا کیف یغسل و کم مره یغسل قال یغسل ثلاث مرات یصب فیہ الماء فیحرک فیہ ثم یفرغ منه ثم یصب فیہ ماء آخر فیحرک فیہ ثم یفرغ ذلک الماء» [1]. این حکم و این راه تطهیری که در متن عروه آمده است در حقیقت برگرفته از همین متن موثقه است. و سید الحکیم می فرماید: اولاً طریقه و روش تطهیر مطابق با ظاهر موثقه آن طریقه دوم است که «ان يجعل فیہ الماء ثم یدار الی اطرافها باعانه الید»، که در متن آمده است «یصب فیها الماء فیحرک فیہ» این مطابق با ظاهر موثقه است. و ثانیاً اطلاق موثقه اقتضاء می کند که اگر آلتی و ابزاری که این آب را از ظرف بیرون می کند اگر نیاز به تطهیر داشت باید بیان می شد، چون ترک استفصال شده است مولی در مقام بیان بوده است مقتضای اطلاق مقامی علی الاقل این است که آن ابزاری که آب را بیرون می آورد نیاز به تطهیر مره ثانیه ندارد و او به تبع همان ظرف خودش تطهیر می شود و نیاز به تطهیر جداگانه ندارد [2]. این دلیل اول برای عدم احتیاج ابزار تطهیر به تطهیر مجدد بعد از اخراج غسله.

سوال: کوز و اناء آیا این اناء در حد کوز است که نیاز به ابزار ندارد یا هر اناء را شامل می شود؟

جواب: منظور از کوز که همان کوزه است و اما اناء ظروفی برای طعام و برای اکل و شرب لذا ظرفی را گفتیم که شک بکنیم که جزء اناء است یا نیست وقتی که متنجس بشود حکمش چیست، شک در انائیت مساوی با عدم اناء است. موضوع حکم باید احراز بشود مخصوصاً جایی که تشخیص موضوع به دست مکلف باشد. موضوع مشکوک هیچ گاه از لحاظ شرعی منشأ اثر نخواهد بود.

سوال: فقهای قدیم فقه حکومتی در دست شان نبوده اما الان هزاران سوال قوه قضائیه از حوزه دارد

جواب: ظاهرش را ببینید که بحث شستن ظرف است ولی در داخل این بحث چقدر قاعده و نکته می گوییم. که ما به کلیات که دست پیدا کنیم. ما از این بحث ها نکته ها و قواعدی داریم که به دست می آوریم و کار می کنیم. دلیلی که درباره عدم احتیاج تطهیر در مورد ابزار بود گفته شد، نکته اول این بود که اطلاق موثقه آنجا است

قاعده عدم تنجیس مغسول بالغساله

و دلیل دوم این است که تغسیل یا غسله هیچ گاهی مغسول را تنجیس نمی کند، قاعده عدم تنجیس مغسول بالغساله که منشأ این قاعده ممکن است همان عسر و حرج باشد. اگر بناء بشود که مغسول با غسله تنجیس بشود دیگر اصلاً تغسیلی صورت نمی گیرد. هر موقع شیئی را تغسیل کنید آن شیئی که می خواهید تغسیل بشود غسله به آن رسیده و نجس بشود، پس اصلاً تطهیر امکان ندارد. مثلاً یک دستمالی است که این متنجس است که این مغسول است آب خیلی که روی آن ریخته می شود و از آن بیرون می آید و در داخل آن دستمال نفوذ می کند غسله است. غسله شیئی متنجس هم نجس است، اگر غسله شیئی متنجس مغسول را تنجیس بکند پس تطهیر امکان ندارد. پس قاعده این است عدم تنجیس مغسول به وسیله غسله خودش.

سوال:

جواب: غسله اولی اگر آلوده به عین نجس باشد قطعاً نجس است و غسله ثانیه اگر آلوده به عین نجاست نباشد محل بحث است و غسله اخیر که مزیه است و متعقبه به تطهیر است پاک است. در این غسله اولی و ثانیه که گفتیم غسله نجس است بعد از اینکه غسله نجس بود، غسله خود مغسول را نجس نمی کند. اگر بناء باشد غسله خود مغسول را نجس بکند تطهیر امکان ندارد. هر قدر آب به شیئی متنجس بریزید آن آب فوراً شد نجس و نجس که تطهیر نمی کند پس تطهیر ممکن نمی شود. بنابراین غسله خود مغسول تنجیس نمی کند. بر اساس این دو نکته آلت و ابزاری که آب را از داخل ظرف متنجس بیرون بیاورد محکوم به طهارت است و حکم همان ظرف را دارد و نیاز به تغسیل مستقل ندارد.

سید الخوئی و جمعی و شهید در روضه بیانی دارند که این خلاف قاعده است اما سیدنا الاستاد و جمعی از فقهاء و شهید در روضه قدس الله اسرارهم بیانی دارد که این قاعده یعنی عدم تنجیس مغسول به وسیله غسله خودش خلاف قاعده تنجیس منجس است. هر جا ملاقات با متنجس صورت بگیرد تنجیس به عمل می آید و قاعده هم جزء وجدانیات است و شکی در آن نیست. مطلبی که اینجا آمده است خلاف قاعده است و هر چیزی که خلاف قاعده بود باید به قدر متیقن و حداقل بسنده کرد. اینجا ما باید به حداقل اکتفاء کنیم که حداقل آن این است که حکم بکنیم به عدم تنجیس آن آلت و ابزار تا وقتی که داخل عملیات اخراج آب از داخل ظرف باشد و اما اگر عملیات تمام شد و بعد آن ملاقه بیرون بود منتها ملاقات با غسله کرده و غسله هم که نجس بوده و ملاقات با نجس تنجیس می کند. در اینجا دلیلی بر استثناء و دلیلی بر طهارت نداریم. بنابراین استثنائی که شده است یا براساس عسر و حرج و یا براساس مساهلت و سماح ابزار در حال تغسیل محکوم به طهارت است و غسله اش مغسول را تنجیس نمی کند اما اگر از حالت تغسیل بیرون آمد و خودش هم با غسله نجس ملاقات کرده بود، چه دلیلی داریم بر عدم تنجیس؟ بنابراین براساس قانون ملاقات با نجس و قاعده منجسیت متنجس آن ابزار که بیرون آورده شد محکوم به نجاست است و بار دوم که می خواهیم آب را از ظرف خارج کنیم باید آن را مستقلاً تطهیر بکنیم.

سوال:

جواب: این قاعده دوم استثناء بود، آن عموم قاعده را استثناء کرد فقط در این مورد. غسل همیشه که متنجس است تحت قلمرو قاعده منجّسیت متنجس است مگر نسبت به حال تغسیل که در آن حالت غسل خود مغسول را تنجیس نمی کند که این استثناء هم وجه دارد که عسر و حرج بلکه امکان تطهیر وجود ندارد و اختلاف نظام تطهیر به وجود می آید بنابراین باید همیشه از آب کثیر استفاده بشود و از آب قلیل را باید کنار بگذارید در حالی که الان هم با آب قلیل سر و کار داریم.

سوال:

جواب: قاعده تبعیت در ظرف خلّ و خمر است بعد از که خلّ خمر شد به تبع ظرف هم پاک می شود. بنابراین فتوای سیدنا الاستاد در این رابطه این است که درست هم همین است که آلت و ابزاری که وسیله اخراج آب از ظرف متنجس بشود در هر مرتبه باید شستشو بشود و تطهیر بشود مستقلاً و دوباره به عملیات اخراج مبادرت شود و الا آن آلت و ابزار محکوم به نجاست است.

[1] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج2، ص، ابواب نجاسات، ب53، ح1، ط اسلامیة.

[2] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج2، ص57.